

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی»

مقدمه

در مقدمه توجیهی طرح این گونه آمده براساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی بعد از هر ده سال می‌توان بر مبنای عوامل انسانی، سیاسی و جغرافیایی تعداد نمایندگان را مورد بازبینی و بررسی قرار داد. از آنجا که برخی حوزه‌های انتخابیه از رشد کمتری برخوردارند و از توسعه یافتگی بر مبنای عدالت دور هستند لذا پیشنهاد می‌شود که تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس از ۳۰ نفر به ۲۰ نفر کاهش یابد.

مشخصات طرح
دوره دهم - سال دوم

شماره ثبت:

۳۸۱

بررسی طرح

۱. اصل شصت و چهارم قانون اساسی بیان می‌دارد «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود». بنابراین براساس این اصل، تنها هر ده سال به تعداد نمایندگان فعلی ۲۰ نفر براساس شاخص‌های فوق می‌تواند نماینده اضافه شود. در حالی که در مقدمه توجیهی طرح از این اصل، چنین برداشت شده که براساس شاخص‌های مزبور تعداد نمایندگان موجود در حوزه‌های انتخابیه مورد بازبینی و در صورت عدم تطابق با شاخص‌های مد نظر بازتوزیع صورت گیرد. هر چند بازنگری و بازتوزیع تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخابیه براساس شاخص‌های مد نظر امری مطلوب است، اما از اصل شصت و چهارم قانون اساسی چنین برداشتی نمی‌توان داشت. اگرچه از اصل مزبور چنین برداشتی نمی‌شود، ولی منبع قانونی در این خصوص وجود ندارد.

شماره چاپ:

۸۴۶

تاریخ چاپ:

۱۳۹۶/۱۲/۲۲

معاونت پژوهش‌های
سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

۲. رایج‌ترین معیار برای ترسیم محدوده حوزه‌های انتخابیه و اصلاح مرزها، شاخص جمعیتی است. در اکثر کشورها اصل بر این است که حوزه‌های انتخابیه باید به لحاظ جمعیتی مساوی باشند تا مردم یک کشور به یک اندازه در انتخابات نمایندگان خود نقش داشته باشند. هر چه حوزه‌ها از لحاظ جمعیتی برابر باشند قدرت مساوی حوزه‌ها را در تصمیم‌گیری پارلمان نشان می‌دهد. در مقابل هرچه نسبت جمعیت به تعداد نماینده در حوزه‌ها بیشتر باشد ناعادلانه بودن ترسیم حوزه‌های انتخابیه را بیان می‌کند که بالطبع ممکن است به اتخاذ تصمیماتی منجر شود که مورد اقبال جامعه نباشد. در قوانین جمهوری اسلامی ایران، قانونی که عوامل مطرح در اصل شصت و چهارم قانون اساسی را به طور دقیق و عینی مشخص کند و وزن و سهم هر کدام را در تخصیص تعداد نمایندگان تعریف کند وجود ندارد، البته در سیاست‌های انتخابات از بین عوامل مطرح در اصل شصت و چهارم قانون اساسی، بیشتر به شاخص جمعیتی تأکید شده و حد انحراف از شاخص جمعیتی را مقتضیات اجتناب‌ناپذیر در نظر گرفته که در صورت بی‌توجهی به آنها موجب بی‌عدالتی انتخاباتی را فراهم می‌کند، البته در این بند نیز مقصود از مقتضیات اجتناب‌ناپذیر مبهم بوده و باید سهم آنها در مقابل معیار جمعیتی مشخص شود.

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۶۰۱۵۸۲۱

تاریخ انتشار:

۱۳۹۷/۱/۲۶

در مقدمه توجیهی طرح بر شاخص توسعه‌یافتگی بر مبنای عدالت تأکید و عنوان شده به دلیل توسعه‌نیافتگی برخی از حوزه‌های انتخابیه و توسعه‌یافتگی حوزه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس باید ۱۰ نفر از تعداد نمایندگان آن کاسته شود، اما همان‌طور که گفته شد به دلیل نبود قانون مصوب، سهم توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی حوزه‌های انتخابیه در توزیع نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه مشخص نشده است. از این رو بر اساس کدام معیار و مکانیسم درصد بالایی به معیار توسعه‌یافتگی داده شده در حالی که در بند اول سیاست‌های کلی انتخابات بر شاخص جمعیتی تأکید شده لذا طرح چنین مبنایی جهت تعیین تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخابیه در تضاد با سیاست‌های کلی انتخابات به نظر می‌رسد.

۳. جمعیت کل کشور بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر است که اگر بر ۲۸۵ نماینده مجلس شورای اسلامی تقسیم شود (۵ کرسی فارغ از مسئله جمعیت بر اساس قانون اساسی به اقلیت‌های دینی اختصاص داده شده) حدوداً به‌ازای هر ۲۸۰ هزار نفر باید یک نماینده وجود داشته باشد. این در حالی است که بر اساس سرشماری فوق جمعیت حوزه انتخابیه تهران ۹۸۵۲۱۶۹ نفر است که با تقسیم بر ۳۰ نماینده تهران باید گفت در این حوزه انتخابیه به‌ازای هر ۳۲۸۴۰۶ نفر یک کرسی نمایندگی در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. به عبارتی بهتر می‌توان گفت میانگین جمعیتی حوزه انتخابیه تهران از میانگین جمعیتی کل کشور برای حوزه‌های انتخابیه بالاتر است و انحراف بالایی نسبت به حد نرمال وجود دارد و ظرفیت افزایش تعداد نماینده را دارا می‌باشد.

۴. در این طرح به صورت ضمنی پذیرفته شده که وضعیت توسعه‌یافتگی استان تهران نسبت به استان‌های دیگر بالاتر است، اما مشخص نیست این نتیجه بر پایه کدام مطالعات علمی و پشتیبان است.

۵. در طرح پیشنهادی، صرفاً به کاهش تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه تهران اشاره شده و مشخص نیست ده نفری که از این حوزه کم می‌شود به کدام حوزه‌ها باید افزوده شود.

نتیجه‌گیری

رایج‌ترین معیار برای ترسیم محدوده حوزه‌های انتخابیه و اصلاح مرزها، شاخص جمعیتی است. در اکثر کشورها اصل بر این است که حوزه‌های انتخابیه باید به لحاظ جمعیتی مساوی باشند تا مردم یک کشور به یک اندازه در انتخابات نمایندگان و تصمیم‌گیری پارلمان نقش داشته باشند. در واقع ایجاد تناسب صحیح میان کرسی‌های پارلمان و جمعیت هر حوزه انتخابیه می‌تواند پارلمان را آئینه تمام‌نمای افکار عمومی شهروندان یا حداقل نزدیک به تصویب اراده عام جلوه دهد. در اصل شصت و چهارم قانون اساسی نیز برای افزایش تعداد نمایندگان بر عوامل انسانی، سیاسی و جغرافیایی تأکید شده است، البته بند اول سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری نیز بر شاخص جمعیتی تأکید دارد. لذا باید گفت «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» مغایر قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات است. این در حالی است که با تقسیم جمعیت کل کشور بر تعداد نمایندگان باید گفت انحراف میانگین جمعیت حوزه انتخابیه تهران نسبت به کل کشور بالاتر است و حتی این حوزه ظرفیت افزایش تعداد نماینده را دارا می‌باشد. از سوی دیگر اصل شصت و چهارم قانون اساسی درباره افزایش تعداد نمایندگان است و علیرغم نظر طراحان از آن چنین اصلی برداشت نمی‌شود که می‌توان به بازبینی تعداد نمایندگان موجود در حوزه‌های انتخابیه اقدام کرد و در صورت عدم تطابق با شاخص‌های مد نظر بازتوزیع صورت گیرد. همچنین مشخص نیست طرح از مطالعات پشتیبان و پژوهشی برخوردار است یا خیر و اینکه چرا صرفاً به حوزه انتخابیه تهران پرداخته شده است. با توجه به دلایل فوق، عدم تصویب این طرح پیشنهاد می‌شود.

